

ملاحظه‌ای توجه جهان را به فعالیت‌های این گروه در کشورهای مهم خاورمیانه، لیبی، مغرب و اروپا به خود جلب کرده است. اما داعش فقط به سمت غرب در حال پیش روی نیست. آنچه که به اندازه کافی بدان توجه نشده است، حرکت این گروه به سمت شرق، به خصوص به سمت و سوی محور اصلی پاکستان است.

هدف از این‌گونه دست‌درازی‌ها در جهت‌های مختلف، اثبات دیدگاه خلافت جهانی به رهبری و خلافت ابوبکر البغدادی است. در سال ۲۰۱۴ میلادی، ابوبکر البغدادی در سخنرانی خود، علناً اظهار داشت: هنگامی که خلیفه مسلمین و مبارزانش به منطقه مشخصی قدم بگذارند، قانونی بودن همه حکومت‌ها، گروه‌ها، دولت‌ها و نهادهای آن منطقه، از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.^۱ برخلاف داعش، سایر گروه‌های جهادی، نوعاً متوجه منطقه خود بوده، و بیش از همه بر کشمکش‌های محلی با حاکمان مستقیم خود، متمرکز شده‌اند.

تمرکز این مقاله پیرامون دورنماها و چشم‌اندازهای داعش در منطقه پاکستان می‌باشد. برخی از گروه‌های جهادی به واقع، طرفدار شخص البغدادی هستند، درحالی‌که دیگران نه به‌خاطر هم‌عقیده بودن، بلکه به‌خاطر وجود نوعی نفرت مشترک، از وی حمایت می‌کنند. بخشی از حامیان این گروه در پاکستان، زنان و مردان شهرنشین هستند که برای شرکت در جنگ داخلی سوریه و زندگی تحت لوای خلافت، به این مناطق رفته‌اند. بخشی دیگر نیز شبه‌نظامیانی هستند که به دنبال روشی برای عملی کردن اعتقادات مذهبی افراطی خود یا گرایش‌های ضد شیعی‌شان در پاکستان می‌باشند. با این‌وجود سایر هواداران داعش در پاکستان که هنوز اعلام همبستگی رسمی از این گروه نکرده‌اند، ظاهراً در انتظار این هستند که ببینند چگونه جنبش‌های جهادی که در این کشور از هم گسسته شده، تکامل می‌یابد.

درضمن، پس از آنکه حضور داعش در کشور پاکستان، ماه‌ها مورد انکار واقع می‌شد، در نهایت صاحب منصبان پاکستانی زبان به تأیید حضور گروه داعش در کشور پاکستان گشودند.^۲ چیزی که اخیراً مقامات پاکستانی از آن پرده برداشته‌اند، حضور مخفیانه

1. CNS News, June 29, 2014

۲. به‌عنوان مثال، عزاز احمد چودری، وزیر امور خارجه پاکستان، حضور داعش را تهدیدی جدی برای این کشور خوانده است. (Dawn, February 23, 2015)

گروهک‌های منتسب به داعش در مناطق کراچی و پنجاب^۱ است. با توجه به حضور گروه‌های متعدد خشونت‌طلب اسلام‌گرا در بخش‌های مختلف پاکستان، گروه داعش فرصت‌های بیشتری برای توسعه حضور خود در پاکستان خواهد داشت.

در جست و جوی داعش

ارتباط‌ها بین کشور پاکستان و جنبش جهادی که به ظهور داعش منجر شد، طولانی مدت بوده‌اند. کشور پاکستان برای مؤسس این گروه، ابومصعب زرقاوی، در راستای فعالیت‌های نظامی‌اش، یک پایگاه محسوب می‌شد. زرقاوی در طول جنگ افغانستان از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۷۹ میلادی در پاکستان دست به اسلحه شد. زمانی که طالبان در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی بر افغانستان حکمرانی می‌کرد، وی اردوگاه آموزشی‌اش را در شهر هرات راه‌اندازی نمود.^۲ پدر ایدئولوژیکی داعش، ابو محمد مقدسی، در دهه ۱۹۸۰ میلادی و همچنین اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی قبل از عزیمت به اردن، از پاکستان بازدید کرد.^۳

قبل از ۱۱ سپتامبر، دیدگاه‌های به شدت ضد شیعه زرقاوی، مانع از گسترش روابط دوستانه با اسامه بن لادن شد.^۴ به‌طوری که در اوایل سال ۱۹۹۹ میلادی ملاقات بین زرقاوی و بن لادن به‌خوبی پیش نرفت. از نظر بن لادن، نفرت زرقاوی از شیعیان، این قابلیت را داشت که به تفرقه‌افکنی منجر شود. در حقیقت زرقاوی به شعله‌ورتر کردن فرقه‌گرایی کمک شایانی نمود که تا امروز، موجب بروز شکاف‌هایی در جنبش‌های جهادی شده است.

پس از ۱۱ سپتامبر، زرقاوی افغانستان را به مقصد عراق ترک کرد. بعد از اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی، وی به نبرد علیه نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا پرداخت. زرقاوی پیش از این گروه اسلامی خودش را تحت عنوان جماعة التوحید و الجهاد تأسیس کرده بود که جوانان اسلام‌گرا را برای جنگ با نیروهای آمریکایی در

۱. به‌نظر می‌رسد، بخش سیالکوت داعش، سازمان یافته‌تر از سایر بخش‌ها می‌باشد، چرا که تمامی اعضای آن با خلیفه داعش، ابوبکر البغدادی بیعت کرده‌اند و برای انجام حملات تروریستی علیه سازمان‌های اجرایی قانون در استان پنجاب پاکستان، برنامه‌ریزی کرده‌اند. (Dawn, December 29, 2015)

2. Indian Express, July 31, 2014.

3. The Atlantic, July/August 2006.

4. The Atlantic, August 14, 2014.

مناطق سنی‌نشین عراق جذب می‌کرد. گروه زرقاوی یکی از فعال‌ترین و بی‌رحم‌ترین گروه‌ها در راه اندازی قیام و شورش بود که طی آن ۴۴۸۸ سرباز آمریکایی کشته شدند. در سال ۲۰۰۴ میلادی، زرقاوی در نامه‌ای که به بن‌لادن نوشت، بیعت خود را با القاعده، مشروط به برنامه‌ای برای حمله به شیعیان عراق کرد.

در همان سال زرقاوی نام گروهش را به «القاعده فی بلاد الرافدین» تغییر داد که به‌عنوان القاعده عراق نیز شناخته می‌شد؛ اما رهبری القاعده (بن‌لادن) درخصوص فعالیت‌های او تردیدهایی داشت. سرانجام در سال ۲۰۰۵ میلادی، قائم مقام بن‌لادن، یعنی ایمن الظواهری پیرامون «حمله وی به شیعیان» نامه‌ای به زرقاوی نوشت و بیان داشت که طبق نظر او - علی‌رغم تلاش زرقاوی برای توضیح درخصوص علل حمله به شیعیان - این مسأله در نگاه عموم مسلمانان امر پسندیده‌ای نیست. سرانجام در سال ۲۰۰۶ میلادی، زرقاوی به همراه همسرش در حمله بمب‌های دیزی‌کاتر آمریکا (بمب‌های عظیمی که آمریکا در ویتنام و افغانستان هم از آنها استفاده کرده بود) در حومه شهر بغداد، کشته شد.

شبه نظامیان در مناطق فدرالی قبیله نشین پاکستان (FATA)

از زمانی که داعش در سال ۲۰۱۴ میلادی، خلافت خود را به‌طور علنی اعلام کرد، در تلاش برای جذب گروه‌های جهادی پاکستانی بوده است. گروهی که تحلیلگران با نگرانی آن را تحت نظر دارند، گروه تحریک طالبان پاکستان است. این گروه، یک گروه شبه نظامی سازمان یافته و متمرکز نیست، اما در عوض از شبکه‌ای بیش از ۴۲ گروه کوچک‌تر تشکیل یافته است. این گروه از زمان پیدایش در سال ۲۰۰۷ میلادی، مسئولیت ده‌ها حمله را در سراسر کشور پاکستان به‌عهده گرفته است. از قبیل حمله به مدارس، کارگران ضد بیماری فلج اطفال، رهبران سیاسی، ادارات نظامی و سایر موارد. در برخی از این حملات، ردپای مشخصی از گروه تحریک طالبان پاکستان دیده نمی‌شد، ولی این اقدامات، حاصل فعالیت‌های گروه‌های شبه نظامی محلی بود. باین حال گروه تحریک طالبان، مسئولیت این اقدامات را به‌عهده می‌گرفت و از این امر، برای تلاش در جهت گرد هم آوردن شبه نظامیان ضد دولت پاکستان، برای پیوستن به یک نزاع و درگیری مشترک استفاده می‌کرد. تحریک طالبان پاکستان، درحقیقت، هرگز گروهی

یکپارچه و نظام‌مند نبوده است، ولی به علت قدرت جذب بالای سایر رهبران و گروه‌های شبه‌نظامی محلی، تاکنون به عنوان یک بدنه واحد، فعالیت کرده است.

در ابتدا شاخه فضل الله گروه تحریک طالبان پاکستان (که توسط ملا فضل الله رهبری می‌شد) به سمت و سوی داعش سوق پیدا کرد. در بیانیه‌ای که در سال ۲۰۱۴ میلادی، خطاب به داعش مطرح شد، سخنگوی گروه تحریک طالبان پاکستان این گونه بیان داشت: ای برادران ما! ما به خاطر پیروزی‌هایتان به شما افتخار می‌کنیم. ما در شادی‌ها و غم‌هایتان در کنار شما هستیم. در این روزهای پر مشقت، ما از شما درخواست می‌کنیم تا صبر و استقامت پیشه کنید. مخصوصاً این روزها که تمامی دشمنانتان علیه شما متحد شده‌اند. لطفاً رقابت‌های خود را کنار بگذارید. همه مسلمانان در سراسر جهان از شما انتظار ویژه‌ای دارند. ما با شما هستیم و برای شما مجاهدین، پشتیبانی‌های ممکن را تأمین خواهیم کرد.^۱

برای درک بهتر ماجرا، باید متذکر شد که در طول سال ۲۰۱۴ میلادی، گروه تحریک طالبان، موقعیت نامناسبی پیدا کرد (شرایط برای گروه تحریک طالبان پاکستان بدتر شد). این گروه پس از مرگ سردسته خود، حکیم الله مسعود، در حمله هواپیمای بدون سرنشین آمریکا در دسامبر ۲۰۱۴ میلادی، در معرض فروپاشی قرار گرفت. پیش از این نیز گروه تحریک طالبان، قدرت جذب خود را به خاطر حملات بی‌هدف و کورکورانه خود علیه شهروندان در پاکستان، تاحدی از دست داده بود و این گروه به بازسازی مجدد و تجدید قوا نیازمند بود. شایان ذکر است که اختلاف و ناسازگاری قابل ملاحظه‌ای در درون این گروه، بر سر مذاکره یا عدم مذاکره با حکومت پاکستان وجود داشت. در نتیجه شبه‌نظامیان، شروع به ترک بدنه اصلی گروه تحریک طالبان کردند و نهایتاً گروه‌های مستقل دیگری تشکیل شدند.^۲

پس زمانی که داعش تشکیل خلافت اسلامی خود را اعلام کرد، بسیاری از شبه‌نظامیان به سمت و سوی آنچه به عنوان عامل جذب جدید دیده بودند، خیز برداشتند. این رخداد، زمانی به وقوع پیوست که سخنگوی گروه تحریک طالبان، رؤسای سازمان‌های قبیله‌ای اوراکزای، خیبر و خرم، و رؤسای مناطق پیشاور و بنگو، بدون هیچ

1. rt News, october 5, 2014.

2. the long War journal, August 26, 2014.

قید و شرطی با ابوبکر بغدادی بیعت کردند.^۱ در نتیجه، آنها از گروه اصلی تحریک طالبان پاکستان جدا شدند. (برخی از این اشخاص به همراه برخی دیگر از فرماندهان داعش، بعدها در حملات هواپیمای بدون سرنشین در استان ننگرهار افغانستان کشته شدند).^۲ سخنگوی تحریک طالبان که به داعش پیوسته است می‌گوید:

من بیعت خود را با خلیفه مسلمین، امیرالمؤمنین، ابوبکر البغدادی القرشی، اعلام داشته و از تمامی دستورالعمل‌های ایشان در هر موقعیتی، تبعیت خواهم کرد. این بیعت، از طرف گروه تحریک طالبان و رهبر آن مولوی فضل الله نمی‌باشد و فقط از طرف من و پنج تن از فرماندهان صورت گرفته است. بنده از امیرالمؤمنین (ابوبکر البغدادی) تقاضا دارم تا بیعت ما را پذیرا باشد.^۳

با استفاده از این موضوع، برخی از فرماندهان گروه تحریک طالبان پاکستان، این گروه را ترک گفته و با داعش بیعت کردند و به صورت رسمی به بخشی از داعش در پاکستان تبدیل شدند. هم اکنون داعش، پاکستان را بخشی از آن چیزی قلمداد می‌کند که نامش را "ولایت خراسان" گذاشته است. منطقه‌ای وسیع که افغانستان و بخشی از آسیای مرکزی را شامل می‌شود. درعین حال، برخی از فرماندهان تحریک طالبان، فاصله خود را با داعش حفظ کردند. دسته‌ای از این قبیل افراد، به گروه جماعة الأحرار - گروهی جدا شده از تحریک طالبان - وابسته‌اند. جماعة الأحرار به رهبری عمر خالد خراسانی - فرماندهی سابق تحریک طالبان - بیانیه‌ای صلح آمیز راجع به داعش را بدون بیان بیعت رسمی با بغدادی، صادرکرد و بیان داشت: ما برای آنان احترام قائلیم. آنها برادران مجاهد ما هستند. اگر آنان از ما تقاضای کمک کنند، ما به تقاضای آنها رسیدگی کرده و تصمیم‌گیری خواهیم کرد.^۴ سرانجام پتانسیل داخلی شبه نظامیان و جدایی جبهه الأحرار از تحریک طالبان، موجب شد که جبهه الأحرار رهبر طالبان افغانستان، ملا عمر را تأیید کند. این شکاف بین دو

۱. به عنوان مثال: سخنگوی گروه تحریک طالبان پاکستان (شهید الله شهید)، سرکرده سازمان قبیله‌ای اوراکزای (حافظ سید خان)، رهبر سازمان خیبر گروه تحریک طالبان (گل زمان)، رئیس گروه تحریک طالبان در پیشاور (مفتی حسن)، سرکرده گروه بنگو (خالد منصور) و

۲. همانند سخنگوی سابق گروه تحریک طالبان (شهید الله شهید) که در همین حملات هواپیماهای بدون سرنشین، کشته شد. (Dawn, July 9, 2015)

3. The Express Tribune, October 14, 2014.

4. The News, October 6, 2014.

گروه به طور اجتناب ناپذیری می‌تواند به درگیری خونین شدیدی بین دو گروه جبهه‌الاحرار و تحریک طالبانی که بغدادی را مورد تأیید قرار داده است، منجر گردد.

مشخصات بارز شهری

علی‌رغم وجود حامیان داعش در بین رهبران قبیله‌ای، تأثیر خلافت در بیشتر مناطق آرام و باثبات پاکستان، به شدت احساس می‌شد. اولین گروهی که پس از بیانیه تأسیس خلافت، با گروه داعش بیعت کرد، گروه تحریک خلافت پاکستان، مستقر در شهر کراچی بود. سخنگوی این گروه اعلام کرد: شیخ ابوبکر بغدادی از امروز، گروه تحریک خلافت و مجاهدین پاکستان را به عنوان یک تیر آماده شلیک، قلمداد خواهد کرد.^۱ گروه تحریک خلافت پاکستان، کمتر شناخته شده است غیر از اینکه این گروه شبکه‌ای کوچک در کلان‌شهر کراچی دارد و حمله‌ای تروریستی را نیز در کراچی ترتیب داده، همچنین زمانی، بخشی از گروه تحریک طالبان بوده است.

در اواخر سال ۲۰۱۴ میلادی، گروه شهری دیگری در پاکستان به نام جندالله، با نماینده داعش ملاقات کرد و در نهایت با ابوبکر بغدادی بیعت کرد. سخنگوی این گروه اعلام کرد: «داعش برادران ما هستند و هر طرح و برنامه‌ای که داشته باشند، ما از آنها حمایت خواهیم کرد».^۲ مؤسسين گروه جندالله، عمدتاً از اعضای حزب جماعت اسلامی پاکستان (حزبی سیاسی - اسلامی) بودند، که امروزه اعضای این گروه همانند بسیاری از اعضای جندالله، از قشر تحصیل کرده و متوسط جامعه هستند.^۳

ویژگی‌های اجتماعی از قبیل: شهری بودن، از قشر متوسط جامعه بودن، دارای مدرک تحصیلی بودن، مواردی هستند که به روشنی بیانگر خصوصیات افرادی است که (در مناطق شهری)، خودشان را ملزم به وفاداری به داعش می‌دانند. اخیراً، رشد گروه داعش در عراق، سوریه و لیبی، الهام‌بخش سفر بسیاری از مردان و زنان جوان پاکستان به سوریه برای پیوستن به این گروه و بیعت با بغدادی شده یا اینکه (زمینه‌ساز) ایجاد

1. the telegraph, july 9, 2014.

2. Reuters, November 18, 2014.

۳. در مصاحبه با معاون بازرس کل تحقیقات پلیس کراچی (November 25, 2014).

تشکیلاتی کوچک برای ارتکاب حملات تروریستی در پاکستان گشته است. به نظر می‌رسد جذب نیروهای جدید، توسط داعش، به‌طور ویژه‌ای در استان ثروتمند پنجاب و همچنین استان کراچی، رو به افزایش است. نشریات داعش که به‌طور گسترده‌ای به‌صورت آنلاین در دسترس است، در جذب افراد تحصیل کرده و افراد ثروتمند به این گروه مؤثر بوده است. این امر به‌وسیله تبلیغاتی که از تشکیلات خنثی شده داعش در کراچی، اسلام آباد و سیالکوت کشف و جمع‌آوری شده است، به اثبات رسیده است. برخلاف گروه‌های شبه نظامی از قبیل تحریک طالبان که به‌علت حضور در مناطق قبیله‌ای و نفوذ کم اینترنت در این مناطق، از این بخش از تبلیغات داعش، محرومند.

هدف گذاری برای رهبری نظامی پاکستان

در نتیجه حملات داعش در پاکستان، این کشور در موضوع رهبری جنبش جهادی، به‌سرعت به جبهه‌ای مهم در درگیری‌های بین داعش و القاعده تبدیل گردید. همانند تلاش‌های داعش برای اثبات خود در صحنه نظامی پاکستان، رقابت این گروه با القاعده بر سر «سهم بازار» به‌طور فزاینده‌ای به یک رقابت بدون برد و باخت تبدیل می‌گردد که در حقیقت، جابه‌جایی بیعت‌ها در درون جندالله و تحریک خلافت پاکستان چنین چیزی را نشان می‌دهد. درحقیقت زمانی که جنگ در سوریه شعله‌ور شد، بسیاری از جنگجویان القاعده که اغلب آنان عرب بودند، پاکستان را به قصد خاورمیانه ترک کردند و به داعش پیوستند. پیوستن به خلافت، برای آنان مراجعت به خانه اصلی (وطن) قلمداد می‌شد و آنان خاورمیانه را برای اقامه جهاد از پاکستان مساعدتر یافتند. جایی که القاعده بیش از پیش، مورد تهاجم حملات هواپیماهای بدون سرنشین قرار گرفته است.

القاعده نیز همانند داعش، در پاکستان از ریشه‌های مستحکمی برخوردار است. شبکه‌های شبه‌نظامی پاکستان، مدت زیادی، پناهگاه امنی را برای القاعده تأمین کرده بودند. اسامه بن لادن در همان مناطق کشته شد و گمان می‌رود که هسته اصلی رهبری القاعده مرکزی، به سرکردگی ایمن الظواهری، در آنجا حضور داشته باشد. هنوز داعش از وضعیت سابق خود، به‌عنوان شعبه‌ای از القاعده استفاده می‌کند، تا بتواند ادعا کند که وارث واقعی

القاعده اصلی و رهبر واقعی جهاد جهانی است.^۱ تحلیلگران این احتمال را انکار نمی‌کنند که این دو گروه می‌توانند در آینده دست در دست هم دهند تا علیه دشمنان مشترک خود، متحد شوند. در حال حاضر، این گروه‌ها همانند آن چیزی می‌باشند که تحلیلگر تروریسم، مایکل ریان، توصیف کرده است: دو قلوهای تاکتیکی و دشمنان استراتژیک.^۲

هسته مرکزی رهبری القاعده در جنوب آسیا، درخواست داعش برای خلافت را تأیید نکرد. در حقیقت در سال ۲۰۱۴ میلادی، ایمن الظواهری با سرکرده طالبان افغانستان، ملا عمر، به‌عنوان خلیفه تجدید بیعت کرد.^۳ علاوه بر این، القاعده با تشکیل القاعده در شبه قاره هند، بلند پروازی‌ها و جاه طلبی‌های خود را علنی نمود. در پیامی ویدئویی، ایمن الظواهری ضمن اینکه تشکیل القاعده شبه قاره هند را اعلام کرد، این‌گونه اظهار نظر کرد:

این نهاد مستقل، امروز تأسیس نشده است، بلکه ثمره بیش از دو سال تلاش مقدس برای گرد هم آوردن مجاهدین در شبه قاره هند در یک نهاد مستقل است که اگر خدا بخواهد در یک گروه نیرومند و مهم به نام قاعدة الجهاد، گرد هم آمده‌اند که متشکل از سربازان امارت‌های اسلامی و امیر پیروز آن، امیر المؤمنین ملامحمد عمر مجاهد باشند.

این گروه قادر به راه‌اندازی چندین حمله پُر هیاهو، هرچند ناموفق، در پاکستان بوده است. همانند تلاش برای ربودن کشتی نظامی پاکستان.^۴ به‌نظر می‌رسد که الظواهری در تجدید قوای القاعده و اعاده حیثیت رو به زوال خود، مصمم می‌باشد. چرا که از زمان پیدایش داعش، این گروه، بخش اعظمی از توجهات بین‌المللی را به سمت خود جلب کرده است. القاعده روابطش را سال‌ها با گروه‌های شبه نظامی اسلام‌گرا در سراسر پاکستان گسترش داده است. این امر موجب شکل‌گیری یک پیوند و اتحاد با سایر گروه‌های شبه‌نظامی از قبیل طالبان پاکستان و گروه‌های فرقه‌گرای محلی گردیده است.^۵ بر اساس تحلیل بسیاری از تحلیلگران، در حالی که طالبان پاکستان، مکان و پشتیبانی‌های

1. Financial Times, december 2, 2015.

2. Terrorism Monitor, Volume 13, Issue 24, december 17, 2015.

3. BBC, September 4, 2014.

4. The Wall Street Journal, September 16, 2014.

5. the News, February 13, 2016.

لازم را در مناطق قبیله‌ای فراهم می‌نمود، القاعده نیز در زمینه‌های مالی و آموزشی همکاری کرده و بدین وسیله گروه‌های فرقه‌گرا در حال تکمیل کادر پرسنلی خود هستند.^۱ به‌عنوان مثال القاعده به نیروهای شبه‌نظامی پاکستانی، عملیات انتحاری را آموزش داد. چرا که القاعده هرگز نمی‌خواهد این گروه‌ها تحت نفوذ و قدرت داعش قرار بگیرند.

در پی کوتاه شدن دست طالبان از حکومت افغانستان، شبه‌نظامیان القاعده و متحدان خارجی و پاکستانی آنان - که برخی از نزاع‌ها و درگیری‌ها را در آسیای جنوبی به راه انداخته بودند - به سمت شبه قاره هند به‌عنوان کانون مرکزی درگیری‌های جهادی خود چشم دوختند.^۲ بارزترین مثال برای این امر، تشکیل القاعده شبه قاره هند در سپتامبر سال ۲۰۱۴ میلادی می‌باشد.^۳

هم‌اکنون به‌نظر می‌رسد که الظواهری، مصمم به توسعه و گسترش محدوده فعالیت خود از پاکستان به سمت هند و متقاعد کردن مسلمانان هندی برای پیوستن به گروه القاعده می‌باشد. رهبر القاعده، عصام عمر، مبارز کهنه‌کار هندی‌الاصل را به‌عنوان فرمانده القاعده در بخش جدید القاعده (القاعده شبه قاره هند) منصوب کرد و تلاش نمود تا آتش خشم مردم را شعله‌ور کند. وی این سوال را مطرح کرد:

چرا مسلمانان هند به‌طور کامل در میدان‌های جهاد غایب هستند؟ برخیزید (قیام کنید)، بیدار شوید. در جهاد جهانی شرکت کنید تا ضربه نهایی را برای سرنگونی آمریکا بزنید.^۴

تشدید رقابت بین داعش و القاعده برای تصاحب ذهن و قلب جهادگران، افرادی که قابلیت عضویت در این گروه‌ها را دارند، به انتخاب یکی از این دو گروه مجبور می‌کند. این امر نیز از عواملی است که موجب حرکت گروه‌های جهادی به سمت گسترش و توسعه بیشتر می‌شود. درحالی‌که هر دو گروه القاعده و داعش، دارای اهداف جاه‌طلبانه جهانی هستند، ولی عملاً درجایی که در آن قرار گرفته‌اند، محدود شده‌اند. هم‌اکنون، هسته

1 . Center for Research and Security Studies, September 2014.

2 . The Sydney Morning Herald, September 4, 2014.

3 . guardian, September 4, 2014.

4 . Hindustan times September 4, 2014.

مرکزی القاعده، عمدتاً در پاکستان قرار دارد درحالی که هسته مرکزی داعش در خاورمیانه مستقر شده است. تمرکز داعش بر روی خاورمیانه - در مقابل آسیای جنوبی - موجب بی‌توجهی داعش حتی به شبه‌نظامیان پاکستانی که به این جنبش پیوسته‌اند، نشده است. سخنگوی گروه تحریک خلافت پاکستان که به عضویت داعش در آمده است، گفته است که به توسعه مرزهای دولت اسلامی به سمت شبه قاره هند و منطقه خراسان امیدوار است. اگر چه ممکن نیست که در مدت زمان کوتاهی، بیعت گروه‌های کوچک از قبیل گروه تحریک خلافت پاکستان با داعش، به کوچک شدن القاعده منجر شود، ولی این امر، گسترش تمایل گروه‌های جهادی مستقر در پاکستان را نشان می‌دهد که قادر به منفعت رسانی به داعش در منطقه شبه قاره هند می‌باشند.

ایدئولوژی مشترک

از آنجا که پیدایش گروه داعش، ثمره مکتب فکری نظام سلفی است، رشد این مکتب فکری در پاکستان، عامل اصلی ظهور داعش در آنجا است. یک روش برای ارزیابی این رشد، گسترش سریع و روزافزون مدارس و پایگاه‌هایی است که به افکار سلفی معتقد هستند.^۱ این بدین معنا نیست که ظهور گروه داعش به‌طور مستقیم به واسطه فعالیت در این مدارس صورت گرفته است، ولی این نهادها به ترویج افکار و اصولی می‌پردازند که گروه‌های شبه‌نظامی همانند داعش بتوانند بعدها از آن بهره‌برداری کنند. علت این امر که پاکستان می‌تواند منطقه‌ای پر منفعت برای رشد خلافت داعش باشد، ظهور مکتب فکری مشابهی با نام اهل حدیث است.^۲ از سال ۱۹۸۰ میلادی، مدارس

۱. در کشور پاکستان، اسلام سلفی در حال رشد و گسترش است. امیر رانا (کارشناس در زمینه افراط‌گرایی در پاکستان) احزاب اسلامی پاکستان و گروه‌های شبه‌نظامی اسلامی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده است. وی چنین نتیجه‌گیری کرده است که از ۲۳۷ گروه اسلام‌گرای پاکستان، ۲۰ گروه متعلق به اهل حدیث (نسخه محلی اسلام سلفی) می‌باشد که شامل ۴ گروه سیاسی، ۱۰ گروه فرقه‌گرا، ۳ گروه شبه‌نظامی، سه گروه مرتبط با فعالیت‌های تبلیغی می‌باشند.

(Jehadi Organizations in Pakistan, mashal Books, lahore, 2009)

۲. نمونه‌ی جنوب آسیای وهابیت را که از عربستان سعودی الهام گرفته شده است اهل حدیث می‌نامند. طرفداران اهل حدیث، به دو دلیل ترجیح می‌دهند که از عنوان وهابی برای آنان استفاده نشود. یکی دلالت منفی عنوان وهابی است؛ و دیگری نفرت و انزجار گروه‌های صوفی - سنی و گروه‌های شیعه از وهابیت. به دلیل تخریب مکان‌های مقدس مسلمانان در مکه و مدینه، توسط وهابیان سعودی در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ می‌باشد. اهل حدیث در پاکستان و هند، همیشه مورد

اهل حدیث پاکستان، با رشد صد درصدی همراه بوده است.^۱ مهمترین گروه شبه نظامی که از مکتب فکری اهل حدیث تبعیت می کند، گروه لشکر طیبیه پاکستان می باشد - گروهی بدنام و معاند با هندوستان که مسئول حملات بمبئی در سال ۲۰۰۸ میلادی بوده است - با وجود اینکه اهل حدیث از نظر اعتقادی با اسلام سلفی یکسان نیست، ولی این دو جنبش نقطه نظرهای مشترک زیادی دارند.

علاوه بر این، بسیاری از پاکستانی هایی که به عنوان نیروی کار در کشورهای خلیج فارس بوده اند، عنوان سلفی اسلام را که در آنجا رواج دارد، پذیرفته اند. به عنوان مثال خانواده تشفین ملک، یکی از تیراندازان سن برناردینو را در نظر بگیرید. به گفته منابع آگاه در پاکستان، جایی که او تحصیل می کرد، یعنی عربستان سعودی، باعث شد، هم او و هم خانواده اش در زمان اقامت خود در عربستان به اسلام افراطی و تندرو، نزدیک تر شوند و به طعمه ای برای گروه داعش تبدیل گردند.^۲ بدیهی است که همه مسلمانان سلفی، تابع فرامین گروه داعش نیستند، اما ایدئولوژی سلفی به وضوح عاملی برای جذب نیروهای تازه و افراط گرا بوده است.

در حالی که داعش در نهایت می تواند هوادارانی را در پاکستان پیدا کند، ولی ایدئولوژی مشترک آنان لزوماً منجر به همکاری بین گروه های شبه نظامی و خلافت اسلامی نخواهد شد. در طول جنگ افغانستان در دهه ۱۹۸۰ میلادی، لشکر طیبیه پاکستان، روابط حسنه خود با القاعده را بر اساس چشم اندازهای مشترک و اهداف ضد هندوستان و ضد غرب حفظ کرد. پس از مرگ اسامه بن لادن، رهبر لشکر طیبیه پاکستان، امام جماعت نمازی شد که برای او برپا شده بود. علی رغم این مورد، تفاوت های روشنی در زمینه اهداف و تاکتیک بین این دو گروه وجود دارد. هنگامی که القاعده به پاکستان حمله کرد، لشکر طیبیه تا آن زمان از خشونت در پاکستان استفاده نکرده بود. هرچند برخی گروه های جدا شده از لشکر طیبیه، اقداماتی تروریستی در پاکستان صورت داده بودند، ولی به طور کلی فرمانده ارشد گروه لشکر طیبیه و پایگاه آن، بر روی حملات تروریستی در هند متمرکز

→ حمایت های دولت های ثروتمند و سرشار از نفت همچون عربستان سعودی و کویت و... بوده اند.

۱. در پاکستان، مدارس اهل حدیث، از افزایش چشمگیر و ۱۳۴ درصدی برخوردار بوده اند.

۲. The Express Tribune, december 7, 2015.

بودند. علاوه بر این، بر اساس اسناد به دست آمده از اردوگاه متعلق به بن لادن، وی در زمینه ارتباط با گروه لشکر طیب به خاطر وجود همکاری‌های نزدیک با دستگاه‌های امنیتی پاکستان، بسیار محتاط بود. مشابه این مسأله نیز می‌تواند نقطه اختلاف در روابط بین داعش و لشکر طیب پاکستان باشد. به هر حال تاکنون پاسخ دولت پاکستان به این دو گروه، متفاوت به نظر می‌رسد. در حالی که سرویس‌های امنیتی پاکستان برای نادیده گرفتن و یا حتی حمایت از لشکر طیب مورد سرزنش قرار گرفته‌اند، حکومت در اسلام‌آباد عهد کرده است که در پاکستان به «سایه‌ی داعش» نیز اجازه تحرک ندهد.^۱ بنابراین بیان اینکه آیا لشکر طیب با گروه داعش دست همکاری می‌دهد یا خیر، دشوار به نظر می‌رسد. همان‌گونه که مبارزان القاعده به سمت و سوی داعش کشیده شده‌اند، اعضای لشکر طیب نیز کماکان با گروه داعش در رفت و آمد هستند. گروه مخفی مرتبط با داعش که مقامات رسمی پاکستان آن را در اواخر دسامبر ۲۰۱۵ میلادی در پنجاب شناسایی و کشف کردند، متشکل از کارگران سابق جماعة الدعوة ای بود که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا آن را بنیاد خیریه‌ای برای لشکر طیب قلمداد می‌کرد. این احتمال در آینده وجود دارد که روابط لشکر طیب با دستگاه‌های امنیتی پاکستان وخیم‌تر شود و این گروه به مسیر اصلی خود باز گردد. اگر این روند ادامه پیدا کند، ممکن است حتی اعضای لشکر طیب را به تغییر موضع خود، درباره ارتکاب رفتارهای تروریستی در درون پاکستان مجبور کند. اگر گذشته این جریان را به عنوان مقدمه‌ای بدانیم، پس اقدامات عمومی حکومت علیه گروه داعش که اعضای لشکر طیب به لحاظ روانی متأثر از آن هستند، ممکن است حتی منجر به تحریک بیشتر لشکر طیب به مبارزه علیه دولت پاکستان شود. این مسأله می‌تواند از طریق پیوستن اعضای لشکر طیب به گروه‌های جهادی مثل داعش که به لحاظ ایدئولوژی با آنها مشابهت دارد، محقق گردد. نمونه‌ای از این پتانسیل، در دسامبر ۲۰۰۷ میلادی خود را نشان داد، پس از سرکوب نظامی در لال مسجد یا مسجد سرخ، در اسلام‌آباد پاکستان، در جولای همان سال، جمع گسترده‌ای از گروه‌های شبه نظامی دیوبندیه (متأثر از این اقدام) گردهم جمع شدند تا تحریک طالبان پاکستان را تشکیل دهند.^۲

1. Dawn, November 20, 2015.

2. Nation, december 31, 2015.

نفرت مشترک

همچنین گروه داعش در پاکستان، به خاطر ترویج نفرت شدید از شیعه، توسط گروه‌های شبه‌نظامی پاکستان، مورد حمایت قرار گرفته است. به عنوان مثال، سازمان غیرقانونی و تروریستی لشکر جهنگوی در سال ۲۰۱۱ میلادی جزواتی حاوی این مطالب را توزیع نمود:

همه شیعیان مستحق کشته شدن هستند. ما پاکستان را از وجود این افراد ناپاک، پاک خواهیم کرد. پاکستان به معنای سرزمین پاکان است و شیعیان حق حضور در اینجا را ندارند. ما پاکستان را به قبرستان آنان تبدیل خواهیم کرد و خانه‌های آنان را به وسیله حملات انتحاری و بمب‌گذاری با خاک یکسان خواهیم کرد.^۱

ملک اسحاق، رهبر لشکر جهنگوی، کسی که در دادگاه اعتراف به کشتار ده‌ها تن از شیعیان کرده است، در یک درگیری که پس از گزارشات حاکی از احتمال پیوستن وی به داعش به وجود آمده بود، به هلاکت رسید.^۲ ملک اسحاق بیش از ۱۰ سال در بازداشت پلیس بود و در صد پرونده قتل عمد و تروریسم به عنوان متهم پرونده مطرح بود. نفرت فرقه‌گرایانه مشابهی در عراق و سوریه، زمینه مناسبی را برای تجدید حیات و طغیان مجدد داعش مهیا کرد. در آینده، رهبری گروه‌های افراطی اهل تسنن در پاکستان (متشکل از گروه‌های ضد شیعی از قبیل لشکر جهنگوی و گروه‌های شورشی ضد دولتی از قبیل تحریک طالبان پاکستان) می‌تواند زمینه مناسبی را برای توسعه و گسترش داعش در آسیای جنوبی فراهم کند.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، پاکستان به یک زمین بازی برای گروه‌های فرقه‌گرا و خشونت‌طلب و عمدتاً فرقه‌های اسلامی ضد شیعه و ضد بریلوی بدل شده است. بر اساس اطلاعات پورتال تروریسم آسیای جنوبی، از سال ۱۹۸۹ میلادی، تعداد ۳۰۱۶ حادثه مرتبط با خشونت‌های فرقه‌گرایانه در پاکستان رخ داده است که عمدتاً توسط گروه‌های سنی دیوبندیه، علیه شیعیان و سنی‌های بریلوی صورت پذیرفته است. در این حملات، جمعاً ۵۲۲۷ نفر جان خود را از دست دادند و ۹۹۰۳ نفر مجروح شدند.

فرقه‌گرایی در پاکستان می‌تواند فضای مناسبی را برای داعش به منظور توسعه و

1. New Yorker, march 9, 2013.

2. Express Tribune, july 29, 2015.

گسترش آثار مخرب خود فراهم سازد. تصمیم جندالله برای پیوستن به داعش، به دلیل اقدامات ضد شیعی داعش بوده است. همچنین ممکن است لشکر جهنگوی که عمیقاً و شدیداً ضد شیعی می باشد، برای پیوستن به داعش آماده شود. علی رغم وجود تفاوت های ایدئولوژیکی اندکی که این گروه به دلیل تبعیت از عقیده دیوبندیه با گروه داعش دارد، این دو گروه در گرایش های ضد شیعی، به مشترکات خود دست یافته اند.

مهمترین گروه شبه نظامی ضد پاکستان، یعنی تحریک طالبان پاکستان نیز گروهی به شدت فرقه گرا است. به طوری که چند تن از اعضای رده بالای این گروه، مسئول کشتار شیعیان بوده اند. برخی از گروه های زیر مجموعه تحریک طالبان که در مناطق مختلف قبیله نشین مستقر هستند، به وسیله افرادی که به لشکر جهنگوی پیوسته بودند، رهبری می شد. به عنوان مثال، مؤسس بخش تحریک طالبان پاکستان که اکنون فوت شده است، زمانی هوادار و تابع گروه لشکر جهنگوی بود. وی مسئول حمله به مدرسه کودکان در دسامبر ۲۰۱۴ در پشاور و حملاتی دیگر در یک دانشگاه در ژانویه ۲۰۱۶ بوده است.

در سال ۲۰۱۴ میلادی، حکومت فدرال استان بلوچستان غربی که با ایران هم مرز است، نامه ای به حکومت فدرال پاکستان در اسلام آباد نوشت و مطرح کرد که گروه داعش پیشنهاد کرده است تا برخی عناصر لشکر جهنگوی و گروه موسوم به اهل السنة و الجماعة به این گروه در پاکستان بپیوندند. بر اساس آن، یک بخش برنامه ریزی استراتژیک، متشکل از ده نفر تشکیل دادند که هدف این بخش، انجام حملات تروریستی علیه سازمان های مجری قانون بود.^۱ پیش از این، گروه لشکر جهنگوی مسئول برخی از خونبارترین حملات علیه شیعیان هزاره در بلوچستان بوده است که در سال ۲۰۱۳ میلادی، بیش از ۱۰۰ نفر در نتیجه چنین حملاتی جان خود را از دست دادند.

به احتمال زیاد جذب نیرو توسط داعش نو ظهور و نوپا، در افغانستان و پاکستان خصوصاً از میان اهل تسنن ساکن در مناطق شیعه نشین، در حال افزایش باشد. همچنین خلافت داعش ثابت کرد که در نهایت می تواند تعداد بیشتری از جهادی های باتجربه را به سمت و سوی گروه خویش وسوسه کند. این در حالی است که القاعده و هم پیمانش،

1 . Dawn, November 8, 2014

تحریک طالبان پاکستان، در حال حاضر قلمرویی کوچک و یا حتی هیچ قلمرویی در افغانستان و پاکستان، تحت تصرف ندارند.

در همین حال داعش ادعا می‌کند که پرچمدار جهاد جهانی است و قلمروهایی را در سوریه و عراق و جاهای دیگر (هرچند که در حقیقت دارایی این گروه رو به کاهش است) تحت کنترل خود دارد. این امر، شهرت و اعتبار قابل ملاحظه‌ای به داعش در آسیای جنوبی می‌دهد.

چشم‌اندازها و دورنماها

چشم‌اندازهای گروه داعش در پاکستان به نوع نگرش فرد به اهداف این گروه بستگی دارد. اگر نیت و هدف داعش در پاکستان، همانند قصد آنها در عراق و سوریه، ایجاد یک دولت باشد، به احتمال زیاد تحقق چنین امری در پاکستان، برای داعش سخت خواهد بود. در طی ۱۳ سال گذشته، اسلام‌آباد، با این قبیل قیام‌های اسلام‌گرایانه که در درون مرزهای این کشور شکل می‌گرفتند و همچنین به‌طور مستقیم دولت پاکستان را تهدید می‌کردند، به شدت برخورد نموده است. می‌توان گفت آنچه که داعش در عراق و شام موفق به انجام آن شده است، بهره‌گیری از خلاء موجود در سیستم اداری کشور است. همانند آنچه تحریک طالبان پاکستان (TTP) در بخش‌هایی از نواحی فدرالی قبیله‌نشین پاکستان (FATA) انجام داده است. تحریک طالبان پاکستان در ناحیه‌ای واقع در وزیرستان شمالی، منطقه‌ای را برای مدتی زیر سلطه خود داشت، ولی این گروه مجاز به نمایش پرچم خود در مناطق مرکزی و حیاتی پاکستان نبود. پس از اینکه شبه نظامیان منطقه سوات پاکستان (دولتی شبه قبیله‌ای)، در صدد توسعه قیام و شورش خود به مناطق با ثبات و آرام پاکستان بودند، حکومت پاکستان، عملیاتی نظامی را در منطقه سوات به راه انداخت؛ لذا بسیار بعید به نظر می‌رسد که دولت پاکستان با این قبیل تلاش‌ها از طرف گروه داعش کنار بیاید و آنها را بپذیرد. اگر هم گروه داعش بخواهد بر مناطق دارای جمعیت کمتر متمرکز گردد، ناچار است که با حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا مواجه گردد. ایالات متحده آمریکا عموماً جنگجویان خارجی را هدف قرار می‌دهد و شورشیان تحریک طالبان پاکستان، توسط آمریکا مورد هدف قرار نمی‌گیرند. تاکنون

هوایماهای بدون سرنشین، بیشتر از هر وسیله‌ی در دسترس دیگری، به رهبری القاعده خسارت وارد کرده‌اند. داعش نیز با چنین خطراتی مواجه خواهد بود. علاوه بر این، اخیراً ایالات متحده آمریکا گروه داعش خراسان را گروهی تروریستی اعلام کرده است و چند تن از رهبران پاکستانی این گروه در حملات هوایماهای بدون سرنشین کشته شده‌اند، برای مثال حافظ سعیدخان اوراکزای، زندانی سابق زندان گوانتانامو و امیر ولایت خراسان در حمله هوایمای بدون سرنشین در افغانستان کشته شده است. همچنین شاهدالله شاهد، سخنگوی سابق گروه تحریک طالبان پاکستان (گروه فضل الله)، جان خود را در کنار دیگر اعضای تازه وارد این گروه، در افغانستان از دست داد.

سومین مانع برای داعش، فقدان رهبری است. گروه داعش برای جذب نیروهای جدید، قادر به یافتن یک رهبری کاریزماتیک در آسیای جنوبی نبوده است. بدون یک رهبری مقتدر و با تجربه، گروه داعش قادر به سرنگونی حکومت و تأسیس حکومت خود در یک قلمرو، همانند آنچه در خاورمیانه انجام داده است، نخواهد بود.

نهایتاً داعش بر خلاف آنچه در سوریه و عراق رخ داده است، در ترغیب خارجی‌ان برای جنگ در پاکستان با مشکل مواجه است. بسیاری از شبه نظامیان خارجی به منظور فرار از یورش‌های نظامی و یا شرکت در جنگ‌های خاورمیانه، پاکستان را ترک کرده‌اند.^۱ اگر طرح داعش برای گسترش در پاکستان نیازمند استخدام نیروی جدید از میان گروه‌های شورشی اسلام‌گرای خارجی در دسترس باشد، این امر می‌تواند یک محدودیت برای داعش تلقی شود. درحالی که این موانع قابل توجه و قابل ملاحظه هستند، داعش همچنین نقاط نفوذی در پاکستان دارد که می‌تواند از آنها به نفع خود بهره‌برداری کند. درحال حاضر تمرکز دولت پاکستان بر روی مناطق قبیله‌ای به عنوان صحنه احتمالی توسعه و گسترش داعش می‌باشد، اما می‌تواند تهدید واقعی، فریب و جلب افراد به ایدئولوژی داعش در مناطق شهری باشد. نفوذ این گروه در میان افراد تحصیل کرده در مناطق شهری سراسر جهان، غیر قابل انکار است. به علاوه، تاکتیک‌ها و ایدئولوژی ضد شیعه گروه داعش می‌تواند عنصری قدرتمند برای جذب جهادی‌های پاکستان محسوب شود. جذب افراد از بین

1. The Guardian, december 25, 2011.

گروه‌های ضد شیعه لشکر طیبه و لشکر جهنگوی پاکستان می‌تواند بهترین فرصت برای گروه داعش باشد تا بتواند شبکه پاکستانی خود را به‌خصوص در بخش پنجاب گسترش دهد. درنهایت، درحالی‌که این امکان وجود دارد که گروه داعش در توسعه و گسترش کنترل خود در پاکستان با مشکل مواجه باشد، اما این امکان نیز وجود دارد که گروه داعش به اندازه کافی قادر به جمع‌آوری هواداران و طرفداران خود از میان مبارزان و افراد اغتشاش طلب باشد. تا بدین‌وسیله موجب ایجاد هرج و مرج و آشفتگی در پاکستان در طی سال‌های آینده شود.

منابع

1. Patrick goodenough, "Pledge Allegiance to New 'Caliph,' ISIS demands of World's muslims in ramadan declaration," CNS News, june 29, 2014, link: <http://cnsnews.com/news/article/patrick-goodenough/pledge-allegiance-new-caliph-isis-demands-world-s-muslims-ramadan>
2. mateen Haider, "Islamic State a serious threat to Pakistan, admits Foreign Secretary," *Dawn*, February 23, 2015, link: <http://www.dawn.com/news/1165415/islamic-state-a-serious-threat-to-pakistan-foreign-secretary-admits>.
3. Asif Chaudhry, "IS Cell busted in Sialkot, claim officials," *Dawn*, December 29, 2015, link: <http://www.dawn.com/news/1229341> accessed on 29/12/15.
4. Farhan Zahid, "tahir Saeen group: Higher degree militants," *Journal of Conflict and Peace Studies* (july–december 2015), Pakistan Institute of Peace Studies (PIPS), Vol.7, No. 2, Islamabad, Pakistan: 120–131.
5. Khaled Ahmed, "terror Connection," *Indian Express*, july 31, 2014, <http://indianexpress.com/article/opinion/columns/terror-connection/>.
6. mary Anne Weaver, "the Short, Violent life of Abu musab al-Zarqawi," *The Atlantic*, july/August 2006, link: <http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2006/07/the-short-violent-life-of-abu-musabal-zarqawi/304983/>.
7. Bobby ghosh, "ISIS: A Short History," *The Atlantic*, August 14, 2014, <http://www.theatlantic.com/international/archive/2014/08/isis-a-short-history/376030/>.
8. mary Anne Weaver, "the Short, Violent life of Abu musab al-Zarqawi," *The Atlantic*, july/August Issue, link: http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2006/07/the-short-violent-life-of-abu-musabal-zarqawi/304983/?single_page=true.
9. Anne Weaver, "the Short, Violent life of Abumusab al-Zarqawi," *The Atlantic*, july/August 2006 Issue, link: <http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2006/07/the-short-violent-life-of-abu-musabal-zarqawi/304983/>.
10. Emily Hunt, "Zarqawi's 'total War' on Iraqi Shiites Exposes a divide among Sunni jihadists," the Washington Institute, Policy #1049, November 15, 2005, <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/zarqawis-total-war-on-iraqi-shiites-exposes-a-divide-among-sunni-jihadists>.
11. Also "letter from Abu musab al-Zarqawi to osama bin laden," February 1, 2004, CFr, link: <http://www.cfr.org/iraq/letter-abu-musab-al-zarqawi-osama-bin-laden/p9863>.
12. Peter I. Bergen, "the osama Bin laden I Know: An oral History of Al-Qaeda's leader," page 367.
13. "Pakistan taliban pledges support to ISIS as coordinated West-hatred gains momentum," rt News, october 5, 2014, available at: <http://rt.com/news/193268-isis-islamic-taliban-pakistan/>.

14. Bill roggio, "taliban splinter group jamaat-ul-Ahrar forms in north-western Pakistan," the long War journal, August 26, 2014.
15. "Ex-ttP spokesman Shahidullah Shahid killed in uS drone strike: report," *Dawn*, july 9, 2015, <http://www.dawn.com/news/1193386>.
16. tahir Khan, "Former ttP leader Shahidullah Shahid killed in uS drone strike," *The Express Tribune*, july 9, 2015, link: <http://tribune.com.pk/story/917788/formert-ttp-leader-shahidullah-shahid-killed-in-dronestrike-reports/>.
17. tahir Khan, "ttP spokesperson, five other leaders declare allegiance to Islamic State," *The Express tribune*, october 14, 2014.
18. Farhan Zahid, "jamaat al-Ahrar: the New Face of Pakistan's tehreek-e-taliban Pakistan," *Aberfoyle International Security*, october 29, 2014, link: <http://www.aberfoylesecurity.com/?p=955>.
19. Amir mir, "ttP's support for IS disturbing for Pakistan," *The News*, october 6, 2014.
20. rob Crilly and Saleem mehsud, "Pakistani terror group swears allegiance to Islamic State," the telegraph, july 9, 2014, available at: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/asia/pakistan/10955563/Pakistani-terrorgroup-swears-allegiance-to-Islamic-State.html>.
21. Saud mehsud and mubasher Bukhari, "Pakistan taliban splinter group vows allegiance to Islamic State," *Reuters*, November 18, 2014, available at: <http://www.reuters.com/article/2014/11/18/us-pakistan-militants-isiduSKCN0j20YQ20141118>.
22. roula Khalaf, "the deadly contest between ISIS and al-Qaeda," *Financial Times*, December 2, 2015, <http://www.ft.com/cms/s/2/297def12-9819-11e5-95c7-d47aa298f769.html#axzz40nczPWoS>.
23. michael W S ryan, "ISIS and al-Qaeda: tactical twins, Strategic Enemies," *Terrorism Monitor*, Volume 13, Issue 24, december 17, 2015, jamestown Foundation, link: http://www.jamestown.org/programs/tm/single/?tx_ttnews%5Btt_news%5d=44915&cHash=114c5e6a13cef6305265a476c5dc4e09#.VuZkp8fj_Iu.
24. "Al-Qaeda chief Zawahiri launches al-Qaeda in South Asia," BBC, September 4, 2014, <http://www.bbc.com/news/world-asia-29056668>.
25. Syed Shoaib Hasan, Saeed Shah, and Siobhan gorman, "Al Qaeda militants tried to Seize Pakistan Navy Frigate," *The Wall Street Journal*, September 16, 2014, link: <http://www.wsj.com/articles/al-qaeda-militants-tried-to-seize-pakistan-navy-frigate-1410884514>.
26. Salis bin Perwaiz, "Al-Qaeda, lej, ttP nexus broken in Karachi: ISPr," <http://www.thenews.com.pk/latest/98018-Al-Qaeda-lej-ttP-nexus-broken-in-Karachi-ISPr> the News, February 13, 2016.
27. Farhan Zahid, "How do Experts and Practitioners View Al-Qaeda: different Perspectives and Approaches," *Center for Research and Security Studies*, September 2014, link: <http://crss.pk/wpcontent/uploads/2014/09/How-do-Experts-and-Practitioners-View-Al.pdf>.

28. "Al-Qaeda restates power as branch launches in Indian Subcontinent," *The Sydney Morning Herald*, September 4, 2014, link: <http://www.smh.com.au/world/alqaeda-restates-power-as-branch-launches-in-indian-subcontinent-20140903-10c52l>.
29. Jason Burke, "Al-Qaeda leader announces formation of Indian Branch," *guardian*, September 4, 2014, link: <http://www.theguardian.com/world/2014/sep/04/al-qaida-leader-announcesformation-indian-branch>.
30. "Asim Umar, man who will head South Asia branch of al Qaeda," September 4, 2014, *Hindustan Times*, <http://www.hindustantimes.com/world/asim-umar-man-who-will-head-south-asiabranh-of-al-qaeda/story->
31. Muhammad Amir Rana, *A to Z of Jehadi Organizations in Pakistan*, Mashal Books, Lahore, 2009.
32. "Islam in Pakistan," *Global Security*, link: <http://www.globalsecurity.org/military/world/pakistan/islam.htm>.
33. Declan Walsh, "Tashfeen Malik was a 'Saudi girl' who stood out at a Pakistani university," *The Express Tribune*, December 7, 2015, link: <http://tribune.com.pk/story/1005544/tashfeen-malikwas-a-saudi-girl-who-stood-out-at-a-pakistani-university/>.
<https://www.ctc.usma.edu/posts/letters-from-abbottabad-bin-ladin-sidelined>
34. "Zero tolerance for Daesh in Pakistan: DG ISPR," *Dawn*, November 20, 2015, <http://www.dawn.com/news/1221026/zero-tolerance-for-daesh-in-pakistan-dg-ispr>.
35. Kunwar Khuldune Shahid, "Three-Act Diplomacy," *Nation*, December 31, 2015, <http://nation.com.pk/columns/31-dec-2015/three-act-diplomacy>.
36. Bashar al-Faraj, "The Shiite Murders: Pakistan's Army of Jihad," *New Yorker*, March 9, 2013, link: <http://www.newyorker.com/news/news-desk/the-shiite-murders-pakistans-army-of-jihad>.
37. Owais Qarni, "Lej Chief Malik Ishaq Killed in Muzaffargarh Police Encounter," *Express Tribune*, July 29, 2015, link: <http://tribune.com.pk/story/928460/lej-chief-malik-ishaq-reportedlykilled-in-suspected-muzaffargarh-encounter/>.
38. "Sectarian Violence in Pakistan 1989–2015," South Asia Terrorism Portal, <http://www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/database/sect-killing.htm>.
39. International Crisis Group, *Policing Urban Violence in Pakistan*, Asia Report No. 255, January 23, 2014, link: <http://www.crisisgroup.org/~media/Files/asia/south-asia/pakistan/255-policing-urban-violence-in-pakistan.pdf>.
40. Mubashir Zaidi, "IS Recruiting Thousands in Pakistan, Govt Warned in 'Secret' Report," *Dawn*, November 8, 2014, <http://www.dawn.com/news/1143133>.
41. International Crisis Group, *Policing Urban Violence in Pakistan*, Asia Report No. 255, January 23, 2014, link: <http://www.crisisgroup.org/~media/Files/asia/south-asia/pakistan/255-policing-urban-violence-in-pakistan.pdf>.

43. drone Strikes in Pakistan 2005-2016, South Asia terrorism Portal,
<http://www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/database/droneattack.htm>
44. Jason Burke, "Al-Qaida leadership almost wiped out in Pakistan, British officials believe," The Guardian, December 25, 2011, link:
<http://www.theguardian.com/world/2011/dec/25/al-qaida-leadership-pakistan-africa>; Hasan Abdullah, "Foreign militants seeking 'safe passage'," dawn, April 25, 2014, <http://www.dawn.com/news/1102154>.

پژوهش‌نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ♦ سال ششم ♦ شماره ۲۴ ♦ زمستان ۱۳۹۵

صفحات: ۱۵۷-۱۵۵



عالمان منتقد وهابیت

«حسن فرحان المالکی»



حسن بن فرحان خالدی حسن زغلی مالکی، معروف به حسن فرحان مالکی، اندیشمند و کارشناس تاریخ، سال ۱۳۹۰ قمری در منطقه بنی‌مالک عربستان متولد شد. پس از گذراندن مقاطع ابتدایی و متوسطه به ریاض رفت و در دانشگاه محمد بن سعود، مشغول به تحصیل شد. سال ۱۴۱۲ قمری موفق به دریافت لیسانس از دانشکده دعوت و اعلام این دانشگاه شد. زمانی که در ریاض بود در دروس عالمان وهابی نیز حاضر می‌شد. در زمینه شغلی، حسن فرحان کارهای زیادی را تجربه کرد، از آن جمله می‌توان به تدریس، مدیریت سایت، کار در تلویزیون، عضو محقق موسوعه تاریخ تعلیم و عضو محقق موسوعه اسباب اشاره کرد. در کنار این مشاغل وی به نگارش مقاله در مجلات و روزنامه‌های مختلف مشغول بود. مجله یمامه، مجله الرشق، روزنامه الیوم، الریاض و البلاد تنها بخشی از مجلات و روزنامه‌هایی است که مقالات حسن فرحان را منتشر کرده‌اند. از آنجا که او در نظرات خود یک آزاد اندیش به‌شمار می‌آید، بسیاری از نظراتش در عربستان پر مناقشه و بحث برانگیز شده و همواره با مخالفت‌ها و ردیه‌هایی از سوی عالمان سعودی همراه بوده است. لکن حسن فرحان ضمن استقبال از ردیه‌های منطقی و علمی، همچنان بر آرای خود پایبند بوده و تأکید می‌ورزد.

برای مثال حسن فرحان معتقد است، مسأله عدالت صحابه، به طور مطلق صحیح نیست و شواهد تاریخی فراوانی در دست است که حاکی از عادل نبودن برخی از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. بنابراین وی معتقد است ادله قرآنی مورد استدلال قائلان به عدالت همه صحابه، مفید عموم نبوده و کلیت ندارد، بلکه تنها شامل برخی از صحابه می شود. همچنین او در مورد معاویه بن ابی سفیان دیدگاه انتقادی داشته و اقدامات او را به ضرر اسلام می داند.

طبیعی است، این دست سخنان از سوی حسن فرحان، موجب شود مخالفانی که از ارائه پاسخ منطقی و عقلانی به نظرات او بازمانده بودند، از دایره انصاف خارج شده و سعی کنند او را با زیدی خواندن یا شیعه نامیدن، (عناوینی که حساسیت افراطیان وهابی را بر می انگیزد) از جامعه علمی عربستان طرد کنند.

در پی این گونه اتهامات و تنها به دلیل داشتن عقایدی روشنگرانه و مخالف دیدگاه افراطی وهابیت، او بارها به زندان افتاد. یکی از این موارد، در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۴ میلادی رخ داد که طی آن حسن فرحان بدون بیان اتهام و دلیل موجهی، از سوی مقامات حکومتی عربستان، برای سومین بار بازداشت شد. این بازداشت ۷۰ روز طول کشید و حسن فرحان پس از آزادی، رسماً در بیانیه‌ای علت این بازداشت را مسائل فکری و عقیدتی اعلام کرد. وی گفت در مدت بازداشت، بارها توسط بازپرس‌ها به توهین به آیین وهابیت و عقاید وهابیان متهم شده درحالی که او در تمام مدت از عقاید خود دفاع کرده و به این اتهامات با لسان دلیل، پاسخ داده است.

در ایام بازداشت، فرزند او عباس حسن فرحان نیز علت بازداشت پدرش را این گونه عنوان کرد: «پدر من، معارض سیاسی نیست، عضو هیچ گروه سیاسی یا مذهبی معارض نیز نمی باشد، بلکه سعایت‌های افراطی‌ها موجب بازداشت پدر من شده است».

آخرین بار در شهریور امسال او مجدداً به دلیل انتقاد از مبانی اعتقادی وهابیان، به زندان افتاده و علاوه بر جریمه‌ی سنگین نقدی، سایت او و حساب کاربری‌اش در توییتر نیز به حالت تعلیق درآمد تا از انتشار بیشتر افکار و عقاید او جلوگیری شود. این درحالی است که او صرفاً منتقد وهابیت نبوده و هرگونه عقیده افراطی و متعصبانه‌ای را حتی اگر در